**انترناسیونال ۶۳۴**

**از ما می پرسند:**

**در مورد انقلاب و اصلاحات چه میگویید؟**

*سئوال: شما مدام از انقلاب حرف میزنید و از انقلاب دفاع میکنید و اصلاح طلبان و رفرمیستها را مورد تعرض و نقد قرار میدهید. در عین حال در برنامه یک دنیای بهتر که برنامه حزب کمونیست کارگری است خواستها و بندهایی مطرح شده که اگر عملی شود عملا در حد اصلاحاتی در زندگی مردم است. مثل درمان و تحصیل رایگان یا روز کار ٦ ساعته یا لغو اعدام و امثال اینها.  آیا این تناقض نیست؟ شما این موضعگیری حزب را چگونه توضیح میدهید؟*

**حسن صالحی پاسخ می دهد:**

قبل از اینکه مستقیما به سئوال شما و پاسخ به آن بپردازم تاکید کنم که در برنامه حزب یعنی "یک دنیای بهتر"ما از برقراری یک نظام سوسیالیستی و انقلاب کارگری به منظور پایان دادن به مشقات و مصائب بشریت حرف زده ایم. لغو کار مزدی، نابودی نظام سرمایه داری و به زیر کشیدن دولت سرمایه داری از طریق سازماندهی انقلاب اجتماعی طبقه کارگر از نظر ما ریشه ای ترین پاسخی است که امروز در برابر جامعه بشری قرار دارد تا خود را از گنداب سرمایه داری نجات دهد.

اینکه ما در برنامه حزب فوری ترین خواستها را برای بهبود شرایط کار و زندگی مردم مطرح کرده ایم و اینکه هر روزه و در عرصه های مختلف نبرد داریم برای تغییر واقعی در زندگی مردم تلاش می کنیم و در جامعه سوسیالیستی نیز همه آن خواستهایی که شما هم بدان اشاره کردید به شکل کاملی عملی خواهیم کرد هیچ تناقضی با انقلابیگری سوسیالیستی ما ندارد. و سئوال شما همیجاست که آیا این تناقض نیست؟

ما فکر می کنیم نه فقط تناقضی نیست بلکه مباره برای رفاه و اصلاحات می تواند راه ما را برای انقلاب و تغییرات بنیادین در جامعه بیشتر همواره کند. از نظر کمونیسمی که ما نمایندگی می کنیم مبارزه برای اصلاحات و بهبود فوری زندگی مردم بخش جدایی ناپذیری از یک استراتژی سوسیالیستی و انقلابی است. چوب زیربغلی است که به تحکیم موقعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کارگران و مردم زحمتکش می انجامد تا از قضا بتوانند قوی تر و آماده تر کار نظام سرمایه داری را یکسره کنند.

در دنیای واقعی مردمی که در چنگال فقر، نداری، گرسنگی، بیکاری و خفقان سیاسی و فرهنگی اسیر هستند مجبورند که برای زنده ماندن خود روزانه مبارزه کنند و قدمی در راه بهبود فوری زندگی و کار خود بردارند. وقتی که ما از مبارزه برای اصلاحات صحبت میکنیم قبل از هر چیز داریم از این حرف می زنیم که این مبارزات روزمره برای رفاهیات اقتصادی و شرایط بهتر سیاسی و فرهنگی از نظر ما مهم هستند. وقتی به تاریخ نگاه می کنیم متوجه می شویم در مقاطعی کمونیستها از جنبش های اجتماعی برای بهبود شرایط کار و زندگی، از مبارزه برای ایجاد اصلاحات اقتصادی و سیاسی و فرهنگی در جامعه جدا افتاده اند. شاید با این استدلال که اینها به اندازه "کافی انقلابی" نبوده اند. این هنوز ممکن است تفکر بخشی از چپ سنتی باشد که اینگونه مبارزات را تخظئه میکند تا انقلابی گری کذایی خود را ارضا کند. چنین دیدگاهی معمولا میدان مبارزه برای رفاه و اصلاحات در جامعه را برای رفرمیستها خالی می گذارد و عملا رهبری این جنبش ها را دودستی تقدیم اصلاح طلبان نظام می کند. اما از نظرکمونیسمی که به لحاظ تاریخی در تلاش بشر برای بهبود شرایط زندگی اش و مبارزات طبقه کارگر برای نقد و مطالبه کردن خواستهای انسانی ریشه دارد بسیار طبیعی و غریزی هست که خودش را به این مبارزات وصل کند و در هدایت و رهبری و به پیروزی رساندن آنها نقش ایفا کند.

از طرف دیگرما برخلاف چپ های سنتی و یا مکتبی معتقد نیستیم که فقیر شدن هر چه بیشترمردم و طبقه کارگر تحقق انقلاب سوسیالیستی را سرعت می بخشد. برعکس؛ کارگران به هر درجه که به لحاظ رفاهیات در موقعیت بهتری قرار داشته باشند و از منزلت جتماعی بهتری برخوردار باشند، تحقق انقلاب سوسیالیستی تسهیل خواهد شد. در این صورت طبقه کارگر در شرایط بمراتب بهتری می تواند به عنوان یک نیروی صاحب صلاحیت به همه جوانب جامعه از اقتصاد و سیاست و فرهنگ و ... بپردازد و گزینه رهائیبخش خود را در مقابل کل جامعه قرار دهد.

در سئوالتان اشاره کرده بودید که ما مرتبا اصلاح طلبان و رفرمیستها را مورد نقد قرار می دهیم. این هم مشاهده درستی است و با تلاش ما برای انجام اصلاحات اقتصادی و سیاسی ضدیتی ندارد. حقیقت اینست که رفرمیستها با اصلاحات اجتماعی ربطی ندارند. هدفی که رفرمیستها و مصلحین اجتماعی در بهترین حالت دارند حفظ نظام موجود و ایجاد جرح و تعدیلاتی در همین نظام است که قدری آن را برای شهروندان قابل تحمل تر کند. و دقیقا به این دلیل است که ما آنها را نقد و افشا میکنیم. در صورتیکه هدف ما بر چیدن نظام سرمایه داری و جایگزینی آن با یک نظام سوسیالیستی است. می خواهم بگویم که اهداف یکی نیست. در صورت غیبت قطب و دورنمای انقلابی و سوسیالیستی در دل مبارزات برای اصلاحات، نیروهای رفرمیست اعتراضات کارگران و مردم را چهارچوب نظام سرمایه داری به اسارت خواهند کشید و از قضا به مبارزات برای خواستهای فوری لطمه خواهند زد. حضور نیروهای کمونیست و انقلابی در دل این مبارزات به این معناست که اولا متحد شویم و این اعتراضات را به پیروزی برسانیم و اجازه ندهیم سازشکاران بر سر دستیابی به موفقیت سنگ اندازی کنند و ثانیا بدین معناست که سنگر بدست آمده را به ایستگاهی برای پیشروی های بیشتر، خودآگاهی بیشتر، سازمانیابی قوی تر در جهت لغو کامل سرمایه داری استفاده کنیم. این جهت و افق اگر گم شود مبارزه برای اصلاحات در اصلاحات حل خواهد شد. از این نظر طبیعی است که رفرمیستها دائما زیر فشار و نقد سیاسی ما هستند و خواهند بود.